

رویکرد طرح مسؤلیت بین المللی دولت‌ها نسبت به نقض هنجارهای حقوقی

و عدم پیروی معاهداتی

سبحان طیبی^۱، بهاره زمانپور^۲، سجاد طیبی^۳

doi: 10.22034/FLJ.2020.111265

چکیده

مسئولیت بین المللی دولت‌ها، برآیند فعل متخلفانه و نقض تعهدات بین المللی است. در این راستا بررسی رویکرد طرح ۲۰۰۱ از منظر قواعد، نقض معاهداتی، قوانین و هنجارهای بین المللی حائز اهمیت و دارای جایگاه والای بین المللی می‌باشد. تدقیق در طرح مسئولیت بین المللی دولت‌ها، در واقع به سبب عملکرد چهارچوبی نظام بین المللی نسبت به نقض هنجارهای حقوقی و معاهداتی ناشی از عدم پیروی دولت‌ها و همچنین تاکید بر اثربخش بودن استناد به مسئولیت بین المللی دولت‌ها ناشی از نقض تعهدات عام الشمول است. از جمله نقاط اتکای طرح مسئولیت بین المللی دولت‌ها سال ۲۰۰۱، بری دانستن مسئولیت از هر گونه تبصره و استثناء و مطلق برشمردن مسئولیت با توجه به موقعیت‌های مقتضی است. این نظم و نسق ساختاری نظام بین المللی نشأت گرفته از تفوق قواعد آمره و تعهدات مشترک بین المللی بر عملکرد همگرایانه در عرصه جهانی است. این نتیجه همگونی قواعد بین المللی در مسیر توسعه و تضاد حقوق بین الملل و شاهراه مسئولیت بین المللی دولت‌ها می‌باشد. از این رو این پژوهش با اهتمام به مسیر توسعه مند پژوهش‌های گذشته علمی، روایتی دیگر از رویکرد تحول‌گرایانه مقررات طرح مسئولیت بین المللی دولت‌ها دارد و در مقام پاسخ‌گویی به این پرسش است که کنش و واکنش طرح مسئولیت بین المللی دولت‌ها به نقض هنجارهای حقوقی و معاهداتی ناشی از عدم پیروی دولت‌ها چگونه تحقق پذیر است؟ در این راستا این پژوهش بر این فرض مستدام است که طرح مسئولیت بین المللی دولت‌ها بدون هر گونه قید و تبصره، در مقابل نقض تعهدات و کنش چهارچوبی قانونی دارد و هیچ گونه اغمازی در بین نیست. این پژوهش برای اثبات فرضیه خود علاوه بر سیر تحول مسئولیت بین المللی دولت‌ها، به رژیم مسئولیت و آثار قانونی و هنجاری مسئولیت می‌پردازد.

واژگان کلیدی: مسئولیت دولت‌ها، طرح کمیسیون ۲۰۰۱، عدم پایبندی، قواعد آمره، تعهدات مشترک.

^۱- دکتری حقوق بین الملل محیط زیست و مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران (نویسنده مسئول)
sobhantayebi@yahoo.com

<http://orcid.org/0000-0002-2668-8574>

^۲- کارشناسی ارشد حقوق بین الملل دانشگاه آزاد اسلامی دماوند bahareh.zamanpour@gmail.com

^۳- کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران stayebi.g@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۰۹ - تاریخ پذیرش ۱۳۹۸/۱۲/۲۶

مقدمه

در سیر تطور و تحول پرشتاب حقوق بین الملل و بر اساس رویکرد معاصر، قواعد مرتبط با نظم عمومی بین المللی و تعهدات ناشی از آن از اعتبار ویژه ای برخوردار می‌باشد. با عنایت به نگاه جامعه بین المللی و تابعان حقوق بین الملل به این چهارچوب‌های نظام یافته نشأت گرفته از تعهدات بین المللی عام الشمول، نشان از رویکردی تحول گرایانه دارد. چرا که این رویکرد سبب گردیده مفهوم مسئولیت بین المللی نیز دچار تحول گردد و به جهت اثرات این تحول بر توسعه منسجم حقوق بین الملل دامنه، محتوا، فرآیند و برآیند نقش مسئولیت بین المللی متحول گردیده است.

از جمله این تحولات اهمیت به محتوای قاعده نقض شده در جامعه بین المللی و نقض هنجارهای حقوقی و معاهداتی ناشی از عدم پیروی دولت‌ها می‌باشد که این مهم سبب گردیده رژیم دوگانه مسئولیت حقوقی و کیفری برای دولت‌ها در نظر گرفته شود. هر چند تلاش‌های کمیسیون حقوق بین الملل در این خصوص و در ورای تحقق منسجم و همگام مسئولیت حقوقی و کیفری به ثمر ننشست^۱ اما اهمیت محتوای هنجارمند از زاویه دیگر مورد توجه قرار گرفته و آن نیز اجرای مسئولیت دولت‌ها بوده است. این نگاه دقیق به طرح مسئولیت بین المللی در واقع به سبب عملکرد ساختاری نظام بین المللی نسبت به نقض هنجارهای حقوقی ناشی از عدم پیروی دولت‌ها و همچنین تاکید بر اثربخش بودن استناد به مسئولیت دولت‌ها ناشی از نقض تعهدات عام الشمول است.

این برآیند مهم قواعد بین المللی در مسیر توسعه و تضاد حقوق بین الملل^۲ و شاهراه مسئولیت بین المللی دولت‌ها می‌باشد. از این رو این پژوهش با اهتمام به مسیر توسعه مند پژوهش‌های گذشته علمی، روایتی دیگر از رویکرد تحول گرایانه مقررات طرح مسئولیت بین المللی دولت‌ها دارد و در مقام پاسخ گویی به این پرسش است که کنش و واکنش طرح مسئولیت بین المللی دولت‌ها به نقض هنجارهای

۱ - ماده ۱۹ طرح مسئولیت دولت‌ها تا زمانی که حذف نشده بود کلیه مجرمین بین المللی مخصوصاً در زمینه محیط زیست مستند به همین قانون، مجازات می شدند ولی زمانی که کمیسیون حقوق بین الملل با تفسیر خود که عبارت بود از ارتکاب جنایات بین المللی در هر قضیه منوط به تحقق دو شرط لازم تعهد نقض شده دارای اهمیت اساسی و شدید بودن نقض تعهد؛ این ماده را حذف نمود به دنبال آن ضمانت اجرای تعقیب جرائم و مجازات‌ها حذف گردید (محقق، ۱۳۹۶، ۳۴).

۲ - تدقیق در مسئله توسعه و تضاد حقوق بین الملل، بدان معنا است که در حالی که حقوق بین الملل به سبب وجود تحولات روز و وجود استانداردهای زیرساختی نظیر معاهدات، اصول کلی حقوق و آراء و رویه های قضایی همواره در مسیر توسعه قرار دارد، ناهنجاری های حادث شده در عرصه بین المللی به نوعی تضاد محسوب می گردد و این تضاد در واقع نقض تعهدات را شامل می شود.

حقوقی ناشی از عدم پیروی دولت‌ها چگونه تحقق پذیر است؟ اهمیت پژوهش پیش رو از آن رو است که دولت‌ها دیگر مثل گذشته نمی‌توانند قلمرو جامعه بین‌المللی را میدان گاه تاخت و تاز امیال و منفعت طلبی‌های خود قرار دهند که اگر چنین شود موجبات مسئولیت را فراهم می‌سازد. با این وصف نگاه تحول‌گرایانه و همچنین کنش و واکنش نسبت به نقض هنجارهای حقوقی ناشی از عدم پیروی دولت‌ها، اهمیت موضوع را دوچندان می‌سازد. ضرورت پرداختن این موضوع از این رو است که نقض تعهدات بین‌المللی توسط تابعان حقوق بین‌الملل صورت می‌پذیرد و تفسیر موسع از چهارچوب‌های قانونی، جواز هر عمل نادرست را فراهم می‌سازد. بنابراین شرایط موجود ایجاب می‌کند که در کنش و واکنش جامعه بین‌المللی در بساط نقض تعهدات به چهارچوب طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها پرداخته شود.

۱- پیشینه‌شناسی سیر تحول مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها

۱-۱- دولت - کشور

هر دولتی برای تشکیل و رسمیت یافتن لاجرم باید دارای چهار عنصر جمعیت دائمی، سرزمین مشخص، حکومت و حاکمیت باشد. داشتن شروط فوق یک پیشنهاد از سوی کنوانسیون مونته‌ویدئو^۱ نیست بلکه ضرورتی است که در طول چندین قرن بر آن صحنه گذاشته شده است. داشتن این شرایط در نهایت منجر به ایجاد یک قدرت سیاسی در محدوده‌ای مشخص می‌شود. در مورد قدرت سیاسی که ناشی از اراده دولت است باید گفت: «در دولت - کشور است که قدرت به والاترین شکل و کامل‌ترین سازمان خود دست می‌یابد و باید قدرت را خصوصاً در این چهارچوب مطالعه کرد.» یکی از پیچیده‌ترین و مهم‌ترین نهادهایی که در حقوق اساسی و حقوق بین‌الملل و همچنین علوم سیاسی از آن بحث می‌شود دولت است. در تعریف حقوقی دولت می‌توان گفت: مجموعه‌ای از مردم که در قلمرو معین و محدود جغرافیایی و تحت حاکمیت خاصی، سکونت دارند (والاس، ۱۳۷۸، ۳۹). در این راستا و از دیدگاه حقوق بین‌الملل، کشور یا دولت از اجتماع دائمی و منظم گروهی از افراد بشر که در سرزمین معین و مشخصی،

۱ - معاهده مونته‌ویدئو (Convention on Rights and Duties of States adopted by the Seventh International Conference of American States) برای حقوق و وظایف دولت‌ها، معاهده‌ای است که در ۲۶ دسامبر ۱۹۳۳ در شهر مونته‌ویدئو در اروگوئه، در هفتمین کنفرانس بین‌المللی دولت‌های آمریکایی، امضاء شده است. این معاهده، قوانینی برای حق دولت داشتن کشورها مطابق قوانین بین‌المللی ایجاد می‌کند. ماده ۱ «کنوانسیون مونته‌ویدئو راجع به حقوق و تکالیف دولت‌ها» مورخ ۱۹۳۳ «دولت» را با مشخصات زیر تعریف می‌کند: «دولت به عنوان تابع حقوق بین‌الملل باید دارای شرایط زیر باشد: ۱- جمعیت دائمی، ۲- سرزمین معین، ۳- حکومت، ۴- حاکمیت (توانایی برقراری روابط با سایر کشورها)».

به طور ثابت سکونت گزیده و مطیع یک قدرت سیاسی مستقل هستند، تشکیل شده است. چنین کشوری دارای استقلال و حاکمیت کامل بوده و تنها از مقررات حقوق بین الملل پیروی می کند و اهلیت برقراری روابط با سایر کشورها را دارد (انصاریان و طیبی، ۱۳۹۷، ۱۷). به هر ترتیب در نظام حقوقی بین المللی، نوع و شکل حکومت و به عبارت دیگر نظام سیاسی کشورها، به هیچ وجه مورد نظر نیست و از این رو، انتخاب آن به وسیله کشورها آزادانه صورت می گیرد.

۱-۲- هنجارها و جامعه بین المللی

به رغم سرشت اقتدارگریز نظام بین المللی، جامعه جهانی دارای قواعد و هنجارهایی است که انتظارات از رفتار مناسب با نظام اجتماعی را نشان می دهند. هنجارها نه تنها به طور مستقیم بر رفتار دولت‌ها در عرصه بین المللی تأثیر می گذارند، بلکه به شکل گیری نظام شناختی و هویتی کشورها و تصمیم گیرندگان کمک کرده و از این طریق به رفتار آن‌ها شکل می دهند. هنجارها و قواعد بین المللی، مفاهیمی اجتماعی هستند که در تعامل بین بازیگران بین المللی به وجود می آیند و در صورت از دست رفتن زمینه های اجتماعی شان، به مرور از بین می روند (فلسفی، ۱۳۸۰، ۷۰). جامعه بین المللی در چهارچوب نظامات و هنجارهای مصوب به حیات خود ادامه می دهد. در نظام بین المللی هنجارها دارای رویکردهای ویژه ای از جمله رویکرد حاکمیتی و رویکرد معاهداتی هستند که این مهم به آینده واحد جهانی با سرنوشت مشترک بشری با امعان نظر به نظم حقوقی متناسب با ساختار جامعه بین المللی تأکید دارد (حدادی، ۱۳۹۳، ۳۶۲). هر چند دیوان بین المللی دادگستری برای خود یک نقش واضح در بیان مفهوم جامعه بین المللی نمی پذیرد اما در قضیه بارسلونا تراکشن (۱۹۶۲-۱۹۷۰)^۱، در قسمت مقدماتی حکم خود بر تعهدات دولت‌ها در قبال جامعه بین المللی تأکید دارد (علیزاده و رحمانی، ۱۳۹۵، ۲۹). نظر به اهمیت این حقوق، کلیه دولت‌ها می توانند برای حفظ آن‌ها دارای منفعت حقوقی باشند.^۲ در این راستا، ضمانت بخش پیروی هنجاری و پایبندی به منافع مشترک، همانا مسئولیت بین المللی است که قوام بخشنده رفتار تابعان حقوق بین الملل نسبت به منابع و مبانی و تعهدات دولت‌ها نسبت به آن است.

^۱ - دولت بلژیک در سال ۱۹۶۲ با ادعای حمایت سیاسی از شرکت برق بارسلونا تراکشن علیه دولت اسپانیا شکایتی در دیوان بین المللی دادگستری مطرح کرد. این شرکت تبعه کانادا بوده ولی اکثریت عمده سهام آن متعلق به اتباع بلژیک بود (ICJ, 1970).

۱-۳- منافع مشترک جامعه بین المللی و حاکمیت قانون

از زمانی که گروسیوس مفهوم جامعه ای بزرگ مرکب از دولت‌ها را به عنوان اساس حقوق بین الملل و نظم و همکاری بین المللی مطرح کرد، اندیشمندان درباره موجودیت جامعه یا اجتماع راستین در ورای دولت - ملت‌ها اختلاف نظر داشته اند. یک عقیده آن است که شواهد تجربی محکمی دال بر این که عملکرد روابط بین المللی به جامعه یا اجتماع به معنای معمول این واژه‌ها شکل داده باشد وجود ندارد، بلکه نظام بین المللی مرکب از دولت‌ها وجود دارد که اگر چه الگوی منظمی از تعامل را درون محیطی خاص به نمایش می‌گذارد، اما به درجه ای از همگرایی که برای تصدیق عنوان جامعه بر آن دارد، دست نیافته است. اما نظر دیگر آن است که یک جامعه بین المللی در وراء دولت‌ها تشکیل شده است که بنیان نظم بین المللی را شکل می‌دهد و ضرورتی بنیادین دارد (سلیمی، ۱۳۸۶، ۱۵۷). در این چهارچوب حفظ و پایبندی به تعهدات امری ضروری به نظر می‌رسد چرا که جامعه بین المللی بر اساس منافع مشترک طی مسیر می‌کند و ساختاری وسیع بر پایه حق‌ها و تکلیف‌های متقابل است. تأیید وجود ارزش‌ها و منافع عالی جامعه بین المللی در رویه و دکترین معاصر و ظهور مفهوم قواعد آمره و تعهدات عام‌الشمول به همراه اقدام طولانی صورت گرفته توسط سازمان‌های بین المللی در مورد ساختار نظام حقوقی بین المللی، نشان می‌دهد که ماهیت حقوق بین الملل در حال تحول است (حدادی، ۱۳۸۹، ۹۰).

اصل عدم مداخله در امور داخلی دولت‌ها که زمانی یک اصل غیرقابل تخطی تلقی می‌شد، هر روز بیش از پیش رنگ می‌بازد. به علاوه، کم‌رنگ تر شدن مرزهای ملی سبب شده تا ملت‌ها به یکدیگر نزدیک تر شده و پیدایش مفاهیم و قواعد مشترک جهانی نیز نتیجه این نزدیکی است. با این حال، توسعه ارتباطات و ابزارهای نوین آن نیز در ایجاد این وضعیت نقش پررنگی داشته اند و با افزایش آگاهی کنشگران غیردولتی به حقوق و وظایف خود و اتفاقات جهانی سبب شده اند تا آن‌ها بیش از پیش در جریان امور قرار بگیرند. روند جهانی شدن همچنان در جریان است و حتی می‌توان گفت که با سرعتی بیشتر از سال‌های آغازین خود به پیش می‌رود (جلالی و مقامی، ۱۳۹۰، ۱۰۱). تحدید روزافزون حاکمیت دولت‌ها و افزایش روزافزون نقش نهادهای مسئولیت اجتماعی شرکت‌های غیردولتی و حتی سخن گفتن از مسئولیت این نهادها در قالب مثبت این واقعیت است. حاکمیت قانون، همانند مفهوم حاکمیت، از حقوق داخلی وارد حقوق بین المللی شده است. از آن جایی که ساختار حقوق بین المللی به صورت افقی می‌باشد و تابعان اصلی آن دولت‌ها هستند مفهوم حاکمیت قانون در این نظام دچار تحولات ضروری شده است. دولت اساساً یک مفهوم حقوقی است، از این رو اصول قانون بر آن حاکم است. حقوق بین الملل شرایط پیدایش دولت - کشور، قلمرو حاکمیت دولت و حدود صلاحیت آن را مشخص می‌کند. یکی از آثار

استقرار حاکمیت بین المللی قانون، مسئولیت تابعان حقوق بین الملل در اجرای قواعد حقوق بین الملل و تقویت روحی پاسخ گویی در عرصه بین المللی است. با این حال به دلیل غلبه سیاست عملی بر عرصه بین المللی و تقدم سیاست بر حقوق، در بسیاری از موارد قواعد بین المللی از سوی دولت‌ها نادیده انگاشته شده اند (حدادی، ۱۳۸۹، ۹۱). با این وصف برآیند این موضوع می‌تواند اثربخشی منافع مشترک جامعه بین المللی و حاکمیت قانون بر یکدیگر باشد. آن چنان که این مهم در چهارچوب‌های نسبی تفوق خود را نسبت به ساختارهای جامعه بین المللی حفظ نموده است.

۱-۴- مفهوم مدرن مسئولیت بین المللی و قلمرو اجرایی آن

مسئولیت بین المللی تکلیفی است که به موجب حقوق بین الملل به دولت‌ها تحمیل می‌گردد، تا هر دولت خساراتی را که بر اثر نقض قواعد حقوق بین الملل، ناشی از عمل یا خودداری‌اش در انجام دادن تکلیف به دولت دیگر وارد کرده، جبران نماید. به بیان دیگر، تعهد به جبران خسارت، محتوای اصلی مسئولیت بین المللی است و در اشکال مختلف و راه‌های گوناگون به اجرا درمی‌آید که هر یک از آن کارکرد خاصی دارد. حقوق مسئولیت بین المللی یکی از شاخه‌های اصلی و اساسی حقوق بین الملل است که با تمامی شاخه‌های حقوق بین الملل در ارتباط نزدیک است و عبارت است از مجموعه مقررات بین المللی مربوط به مسئولیت کشورها و سازمان‌های بین المللی، این حقوق بر اساس عرف شکل گرفته اند.

موضوع مسئولیت بین المللی دولت، یکی از مباحث اصلی و بنیادی حقوق بین الملل است. دولت‌های مختلف با پذیرش میثاق‌های بین المللی، خود را موظف می‌دانند که در روابط بین المللی، مسئولیت‌پذیر باشند و در صورت ضرر زدن به دولت عضو یا غیرعضو یا اتباع و شهروندان آن دولت‌ها، خود را به جبران خسارت مکلف می‌دانند (حدادی و ستایش پور، ۱۳۹۶، ۷۸). مسئولیت بین المللی ارکان نظام بین المللی را تشکیل می‌دهد و بی‌احترامی به قواعد آن، موجب تضعیف حقوق بین الملل و ایجاد ناامنی و بی‌ثباتی در روابط کشورها و اتباع آن‌ها می‌شود. مسئولیت دولت در ماده ۱ این چنین آمده است: هر فعل متخلفانه بین المللی دولت، موجب مسئولیت بین المللی آن دولت است. با یک نگاه ابتدایی، چنین به نظر می‌رسد که ماده ۱، یک امر بدیهی را بیان می‌کند. اما موضوعات متعددی وجود دارند که این ماده بدان‌ها اشاره ای ندارد و اهمیت این ماده از همین سکوت نشأت می‌گیرد اول این که، این ماده برای استناد به مسئولیت در حقوق بین الملل، هیچ پیش شرط کلی ای از قبیل وجود تقصیر از جانب دولت متخلف یا ورود خسارت به دولت زیان دیده، مقرر نمی‌کند. دوم این که، ماده مزبور، دولت یا دولت‌ها یا دیگر اشخاص حقوقی بین المللی که مسئولیت بین المللی در قبال آن‌ها وجود دارد را شناسایی نمی‌کند. در

نتیجه از سنت تلقی مسئولیت بین المللی به عنوان یک رابطه ثانویه حقوقی که ماهیت آن اساساً دوجانبه است رابطه دولت متخلف با دولت زیان دیده یا در صورتی که شمار دولت‌های زیان دیده بیشتر از یک دولت باشد، رابطه دولت متخلف با هر یک از دولت‌های زیان دیده متابعت نکرده و در عوض، وضعیت مسئولیت را به عنوان یکی از ملزومات عینی ارتکاب یک عمل متخلفانه بین المللی ملحوظ کرده است (طرح مسئولیت بین المللی دولت‌ها، ۱۳۸۹، ۴۵).

قواعد مسئولیت دولت شامل شدیدترین اعمال دولت می‌شود و به همین ترتیب، رژیم مسئولیت نیز در چنین مواردی شدیدتر خواهد بود. اما حتی اگر یک قاعده آمره جدید حقوق بین الملل عام به وجود آید، همچنان که در ماده ۶۴ کنوانسیون حقوق معاهدات وین آمده است، این امر هیچ گونه تاثیر عطف بماسبق شونده در ارتباط با مسئولیت ندارد. از این رو در غیاب موافقت دولتی که ادعا می‌شود در مقطعی در گذشته هنجاری را نقض کرده نمی‌توان به اعمال قانون لاحق در خصوص مسئولیت اش اقدام کرد و لذا، قواعد آمره حقوق بین الملل نمی‌توانند به صورت عطف بماسبق شونده اعمال شوند. آن چه که بند ۱ ماده ۱۳ به آن نمی‌پردازد تعامل میان قاعده آمره جدید حقوق بین الملل و تعهد حقوقی پیشین در مقابل یک عمل ساده است (زمانی، ۱۳۷۷، ۳۲۶). ماده ۱۲ طرح پیش‌نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل در مورد مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها که ماهیت و نوع تعهد بین‌المللی را در تحقق مسئولیت بی‌تاثیر دانسته، دارای قابلیت اجرایی عام است و نسبت به تمامی تعهدات بین‌المللی دولت‌ها منصرف از ماهیت شان، اعمال می‌شود. تعهدات بین‌المللی ممکن است ناشی از یک قاعده عرفی حقوق بین‌الملل، یک معاهده یا یک اصل کلی حقوقی قابل اعمال در نظام حقوقی بین‌المللی باشند. همچنین دولت‌ها می‌توانند با عمل یک جانبه تعهدات بین‌المللی را برای خود ایجاد کنند. یک تعهد بین‌المللی همچنین می‌تواند از تصمیم یک نهاد یا یک سازمان بین‌المللی که در موضوع مربوطه صلاحیت دارد یا حکم صادره میان دو دولت از سوی دیوان بین‌المللی دادگستری یا دیگر محاکم و غیره ناشی شده باشد. اذعان ماده ۱۳ طرح مسئولیت نیز بر این منوال است که شرط تحقق مسئولیت بین‌المللی که هم بر نقض‌های معاهده و هم به دیگر نقض‌ها نسبت به یک تکلیف قانونی مرتبط است آن است که تعهد بین‌المللی مزبور به هنگام ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی، برای آن دولت لازم‌الاجرا بوده باشد (کرافورد، ۱۳۹۵، ۲۱۵). به هر ترتیب تعهدات بین‌المللی در سایه عملکرد دولت‌ها نمود یافته و مشترکات بین المللی این مهم را تصدیق می‌نماید.

۲- اهمیت تعهدات بین المللی و رژیم مسئولیت حاکم بر آن ها

۲-۱- ماهیت تعهد و اجرای یکسان قواعد مسئولیت در قبال تعهدات بین المللی

در زمان تدوین قواعد راجع به مسئولیت بین المللی دولت ها، همواره این امر مورد توجه بوده است که مسئولیت بین المللی دولت، نتیجه عدم انجام تعهد حقوقی از سوی آن دولت است، بدون توجه به ماهیت تعهد و موضوعی که این مسئله بدان مربوط است. دیوان داوری بین المللی در خصوص دعوی نیوزیلند و فرانسه در قضیه رنگین کمان (۱۹۸۶)^۱ این اصل را صراحتاً مورد تأیید قرار داده است که: «اصول کلی حقوق بین الملل راجع به مسئولیت بین المللی به طور مساوی نسبت به نقض هر گونه تعهد بین المللی اعمال می گردد. از آن جا که در حقوق بین الملل هیچ تفکیکی میان مسئولیت قراردادی و غیرقراردادی انجام نگرفته است، در نتیجه، نقض هر تعهدی از سوی یک دولت صرفنظر از ماهیت و منشاء آن تعهد، منجر به مسئولیت دولت و تعهد به جبران خسارت می گردد.» (Pugh, 1987, 655). روشن است که این اصل دقیقاً عکس آن چیزی است که در نظام های حقوق داخلی مجرا است و در آن قواعد مسئولیتی مترتب بر فرد خاطی حسب مورد به مسئولیت قراردادی و غیرقراردادی تقسیم می گردد (سیفی، ۱۳۷۳، ۲۰۰). همچنین دیوان داوری در خصوص موضوع اخیر بیان می دارد که اگر چه تعهد معاهده با گذشت زمان خاتمه یافته است، مسئولیت ناشی از نقض تعهد کماکان پابرجاست (پورهاشمی و همکاران، ۱۳۹۳، ۸۷). در واقع برای تعهد نقض شده دارا بودن ماهیتی بین المللی کافی است که همواره قواعد مسئولیتی یکسانی بر آن حاکم باشد. قواعد مسئولیت برای نقض هر تعهدی که به حقوق بین الملل تعلق دارد به طور یکسان جاری است برای مثال اگر دولتی در رعایت احترام به یک معاهده قصور ورزد یا اگر حاکمیت سرزمینی دولت دیگر را نقض کند یا چنانچه به سرزمین یا اموال دولت دیگر خسارت وارد آورد مسئول است. در حقوق بین الملل بر عکس آن چه که از سوی برخی سیستم های حقوقی در نظر گرفته شده است هیچ جایگاهی برای تفکیک میان رژیم مسئولیت ناشی از نقض معاهده و نقض دیگر قواعد وجود ندارد. وقتی ریشه تعهد نقض شده به

۱- در ۱۰ ژوئیه ۱۹۸۵، یک عملیات مخفی که توسط سرویس امنیتی نظامی فرانسه (DGSE) انجام شد، کشتی Greenpeace Rainbow Warrior نام ثبت شده هلندی در بندر اوکلند کناره و یک عکاس هلندی به نام فرناندو پیرا را به قتل رساند. کشتی Greenpeace قصد داشت آزمایشات هسته ای فرانسه را در جزایر پلینزی فرانسه مختل کند. نیوزیلند متعاقباً دو عضو نیروهای مخفی فرانسه را دستگیر و محکوم کرد. پس از یک سلسله برخوردهای دیپلماتیک بین فرانسه و نیوزیلند که عمدتاً مربوط به موضوع جبران خسارت و برخورد با مأموران بازداشت شده بود، هر دو دولت تصمیم گرفتند اختلافات خود را توسط یک دادگاه که به ریاست دبیرکل آن زمان در سازمان ملل متحد، خاویر پرز دو کوئل انجام شود داوری کنند. حکم الزام آور وی در ۶ ژوئیه ۱۹۸۶ اعلام شد.

عنوان یک تعهد بین‌المللی مورد توجه قرار گیرد، رژیم واحدی از مسئولیت اعمال می‌شود (حدادی، ۱۳۹۰، ۸۹). به هر ترتیب چهارچوب تحقق نظام مسئولیت بسته به ماهیت تعهد در عرصه بین‌المللی و نقض تعهد فرامرزی باشد. اگر چه تعهدات بین‌المللی در واقع تعهدات مشترکی هستند که لزوم توجه به آن ایجاب می‌نماید به خصوص که جنبه عرفی آن محرز باشد.

۲-۲- تعهدات و جایگاه آن در قبال کل جامعه بین‌المللی

نظر به این که تعهداتی که هر عضو جامعه بین‌المللی در قبال کلیت جامعه بین‌المللی برعهده دارد، از منافع جمعی جامعه بین‌المللی حفاظت می‌کند و نقض آن‌ها آثار بیشتری از نقض سایر تعهدات حقوق بین‌الملل بر نظم و ثبات جامعه جهانی خواهد داشت، این تعهدات از جایگاه ویژه‌ای در حقوق مسئولیت بین‌المللی و در مواد طرح مسئولیت بین‌المللی دولت برخوردار است. حقوق مسئولیت بین‌المللی در ارتباط با نقض قواعد عام الشمول از جهت عواقب و آثار مسئولیت، استناد به آن و اجرای مسئولیت و همچنین چگونگی اعمال اقدامات متقابل با نقض سایر تعهدات بین‌المللی متمایز است. این تمایز به دلیل آثار سوء فوق‌العاده‌ای است که اعمال این گونه اعمال متخلفانه بین‌المللی بر کل جامعه بین‌المللی خواهد داشت. علی‌الاصول در صورت نقض تعهدی عام الشمول، مسئولیت بین‌المللی دولت خاطی محرز خواهد بود. اجرای این مسئولیت و آثار مترتب بر آن در مرحله نخست با سایر تعهدات یکسان می‌باشد، در حالی که اگر تعهد نقض شده از جمله قواعد آمره حقوق بین‌الملل نیز بوده و تخلف از آن به گونه‌ای جدی و سیستماتیک صورت گرفته باشد، کشور متخلف مسئولیت ویژه و مضاعفی خواهد داشت (طیبی، ۱۳۹۷، ۲۹).

اشاره ضمنی به مفهوم تعهدات در مقابل کل جامعه بین‌المللی برای اولین بار در رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه حق شرط بر کنوانسیون منع نسل‌کشی، مطرح شد. دیوان در این رأی بیان داشته: «کنوانسیون منع و مجازات نسل‌کشی، صراحتاً برای یک هدف صرفاً بشردوستانه به تصویب رسیده است.» در این کنوانسیون کشورهای متعاهد هیچ منفعت شخصی ندارند. آن‌ها تنها یک هدف و منفعت مشترک دارند و آن تحقق اهداف والای کنوانسیون است که تعادل قراردادی بین حقوق و تکالیف در آن جای ندارد. اگر چه در این قضیه هیچ گونه تعهدی با عنوان تعهدات عام الشمول مطرح نبود، اظهارات دیوان آشکارا حاکی از آن است که در چهارچوب مسئولیت بین‌المللی، برخی تعهدات در قبال کل جامعه بین‌المللی وجود دارد و به دلیل اهمیت حقوق ذیربط، تمامی دولت‌ها در حمایت از آن‌ها دارای منفعت حقوقی هستند (طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، ۱۳۸۹، ۲۳۹). همچنین دیوان بین‌المللی

دادگستری در قضیه بارسلونا تراکشن برای اولین بار عبارت مربوط به تعهدات عام الشمول را مطرح کرد. در پاراگراف ۳۳ تعریفی از تعهدات عام الشمول بدین صورت ارائه کرده است: باید تمایز اساسی مابین تعهدات دولت‌ها نسبت به کل جامعه بین المللی و تعهدات دولت‌ها در مقابل یکدیگر در خصوص حمایت دیپلماتیک قائل شد. ماهیت تعهدات در مقابل کل جامعه بین المللی به گونه ای است که به لحاظ اهمیتی که دارد، دغدغه تمامی دولت‌ها را بر می‌انگیزد و همه کشورها می‌توانند به منافع حقوقی که در حمایت از این دارند استناد نمایند. این تعهدات، تعهدات Erga Omnes هستند. در واقع، نقطه ثقل تعهدات در برابر کل جامعه بین المللی اساساً نفع حقوقی همه دولت‌ها در رعایت آن تعهدات می‌باشد و بر این اساس، تمامی دولت‌ها حق دارند در صورت نقض این تعهدات توسط دولتی به مسئولیت بین المللی آن دولت استناد نمایند (زمانی، ۱۳۷۷، ۳۲۹). این مسئله نشان از آن دارد که جامعه بین المللی با حفظ و ورای از کلمه «کل»، نسبت به انجام تعهدات مسئولیت دارد و این مسئولیت نشات گرفته از اهتمام جدی با نظام قواعد آمره و تعهدات مشترک است.

۲-۳- مفهوم استناد به مسئولیت بین المللی و وضعیت دولت زیان دیده و غیر زیان دیده

برای دولتی که به مسئولیت دولت دیگر استناد می‌کند، نشان دادن وقوع عمل متخلفانه کفایت می‌کند، منتهی اگر استناد کننده مطالبه خسارت نیز کند، باید رابطه علیت بین عمل متخلفانه و وقوع خسارت را اثبات کند. با وجود اهمیت اساسی مفهوم استناد، در طرح مسئولیت دولت‌ها (۲۰۰۱)، تعریف مشخصی از آن ارائه نشده است (Scobbie, 2002, 1205). در شرح ماده ۴۲ سند مزبور گفته شده است که استناد اقدامی با خصیصه نسبتاً رسمی است و برای مثال، شامل طرح دعوا علیه دولت یا شروع به رسیدگی به اقدامات دولت در داوری یا دادگاه بین المللی می‌شود و مواردی همچون انتقاد یا اعتراض یا درخواست اجرای تعهد نقض شده یا حتی حفظ حق شکایت در خصوص تعهد نقض شده، استناد تلقی نمی‌شوند. با این حال، استناد می‌تواند از طرق دیپلماتیک نیز حاصل شود و لزوم توسل به دادگاه خاص را شامل نمی‌شود (Vermeer-Kunzil, 2014, 257) مانند قضیه زمین‌های فسفات در نائورو. طرح مسئولیت دولت‌ها (۲۰۰۱)، حق استناد به مسئولیت را برای دو گروه پیش بینی کرده است. به عبارت دیگر، دو گروه را دارای سمت برای استناد شناخته است: نخست، دولت زیان دیده و دوم، دولت‌های غیر از دولت زیان دیده که دارای نفع حقوقی هستند. اجرای مسئولیت دولت متخلف در وهله نخست حق دولت زیان دیده است. این مطلب به طور خاص در ماده ۴۲ طرح کمیسیون حقوق بین الملل مطرح شده است. ماده مذکور میان زیان نسبت به یک دولت خاص یا تعداد کمی از دولت‌ها و منافع حقوقی چندین یا تمامی دولت‌ها در بعضی

تعهدات که در جهت منفعت عمومی مقرر شده اند، تفاوت قائل می‌شود (طرح مسئولیت بین المللی دولت ها، ۱۳۸۹، ۲۵۷). در وضعیتی که نقض یک تعهد گروهی از دولت‌ها و یا جامعه بین المللی را متأثر می‌نماید، برای این که دولتی زیان دیده محسوب گردد، باید از چنان ویژگی‌ای برخوردار باشد که استیفای حقوق یا اجرای تعهدات آن دولت به گونه‌ای از آن نقض متأثر شود که نسبت به سایر دولت‌هایی که ذینفع آن تعهد هستند متمایز کرد (طرح مسئولیت بین المللی دولت ها، ۱۳۸۹، ۲۶۳). بر این اساس، دولتی که در مفهوم ماده ۴۲ زیان دیده تلقی می‌شود، محق به توسل به تمامی آثار و نتایج حقوقی فعل متخلفانه بین المللی و همچنین روش‌های مقرر در طرح کمیسیون حقوق بین الملل راجع به اجرای مسئولیت بین المللی دولت از قبیل اقدامات متقابل خواهد بود.

برای استناد به مسئولیت بین المللی، هیچ مهلت زمانی خاصی تعیین نشده است و استناد طی زمان مناسب معمولاً کفایت می‌کند. دیوان بین المللی دادگستری در قضیه زمین‌های فسفات در نائورو تصریح کرد که حقوق بین الملل هیچ بازه زمانی خاصی را برای طرح دعوا تعیین نکرده است و تعیین این زمان بر عهده دادگاه است که با توجه به شرایط هر قضیه، آن را تشخیص می‌دهد. همچنین، دیوان در قضیه لاگراندا اعلام کرد که دعوی آلمان قابل رسیدگی است حتی اگر خواهان سال‌ها پس از اطلاع از نقض تعهد، اقدام قانونی کرده باشد. به طور کلی، می‌توان گفت که تأخیر در طرح دعوا سبب نپذیرفتن آن نخواهد بود، مگر این که از اوضاع و احوال این گونه تلقی شود که دولت زیان دیده از حق استناد اعراض کرده است یا دولت خوانده به واسطه این تأخیر، به طور جدی متضرر شده باشد (vinuales, 2009, 235).

کمیسیون در طرح نهایی خود ضمن تفکیک میان دولت‌های زیان دیده و غیرزیان دیده در قالب مواد ۴۲ و ۴۸، در ماده ۴۸ به دولت‌های غیرزیان دیده اجازه استناد به مسئولیت بین المللی دولت را، البته با محدودیت‌هایی از جهت حقوق ثانوی می‌دهد (حدادی، ۱۳۹۸، ۹۷). امروزه با توجه به گستردگی روابط بین المللی و ضرورت صیانت از همبستگی بین المللی به ویژه با توجه به مفهوم تعهدات در قبال همه دولت‌ها برخی تعهدات بین المللی چنان ابعاد و اهمیتی دارند که نقض آن‌ها نه تنها به دولت طرف مقابل تعهد صدمه می‌زند، بلکه چه بسا طیف وسیع تری از دولت‌ها را نیز تحت تأثیر قرار دهد. در این صورت علاوه بر دولت طرف تعهد، سایر دولت‌ها نیز در تضمین رعایت تعهد مربوط نفع حقوقی دارند و می‌توانند به مسئولیت دولت خاطی استناد کنند. حتی در برخی موارد، تمامی دولت‌ها «ذینفع» محسوب می‌شوند، ولو این که به طور خاص از نقض تعهد، صدمه ندیده باشند.

۲-۴- انتساب و استناد به مسئولیت بین المللی

به اذعان ماده ۲ طرح مسئولیت بین المللی دولت ها، علاوه بر نقض تعهد، قابلیت انتساب از مهم ترین ارکان برانگیخته شدن مسئولیت است. اگر چه نظام مسئولیت بین المللی دولت ها استثناء پذیر نیست اما عناصر آن بایستی کاملاً محرز باشد به خصوص بحث انتساب به واسطه تعهد نقض شده نمایان است. در واقع فعل یا ترک فعلی که تعهدات مشترک بین المللی را خدشه دار سازد و قواعد آمره نادیده گرفته شود عملاً تعهدات بین المللی نقض گردیده و انتساب صورت می گیرد. هر چه دو محور نقض تعهد و قابلیت انتساب استحکام داشته باشد، طبیعتاً عنصر سوم یعنی جبران خسارت که نهفته در ماده ۲ است، محرز می گردد. قابلیت انتساب اگر در چهارچوب معاهدات بین الدول باشد به یقین استناد به آن دقیق تر و شفاف تر است و نظام مسئولیت بین المللی توانمندتر می تواند مسئولیت مطلق را احیاء و ابراز نماید. هر چند قابلیت انتساب در چهارچوب سازمان های بین المللی نسبی است اما تابعان حقوق بین الملل همواره در معرض ارزیابی نسبت به تکالیف بین المللی خود هستند و بارزترین وجه مسئولیت که دفاع از انجام تکالیف مقرر است، بر این مسئله صحنه می گذارد. هر چند شاهد بیان ما در این ورطه همانا ماده ۱ طرح مسئولیت بین المللی دولت ها است. ماده یک پیش نویس کنوانسیون بین المللی مسئولیت دولت ها ۲۰۰۱ در واقع پایه اساسی برای تعریف مسئولیت بین المللی می باشد که بیان می دارد «هر فعل یا عمل متخلفانه بین المللی دولت، موجب مسئولیت بین المللی آن دولت است.» این ماده، اصل اساسی مبنای مجموعه مواد پیش نویس را بیان می کند و آن این که: «نقض حقوق بین المللی توسط یک دولت، موجب مسئولیت بین المللی او می شود.» (طیبی و شیرازیان، ۱۳۹۸، ۱۱). به هر ترتیب عمل خلاف بین المللی طبق حقوق بین الملل از هنگامی به یک دولت منتسب می گردد که اشخاص یا ارکان تحت اقتدار موثر او، آن عمل را انجام داده باشد.

۳- آثار قانونی و اکناف هنجاری مسئولیت بین المللی

۳-۱- جبران خسارت

به موجب بند ۱ ماده ۳۶ از طرح مسئولیت، دولتی که مسئول تخلف بین المللی است، ملزم به جبران خسارات وارده ناشی از تخلف تا حدودی که خسارت مزبور از طریق اعاده ترمیم نگردیده باشد، است. بند ۲ از همین ماده اظهار می دارد که خسارت باید شامل هر گونه خسارتی باشد که از لحاظ مالی قابل تقویم است، از جمله سود از دست رفته در حدی که اثبات شده باشد. جبران خسارت، موضوع رأی یا مورد

توافق بین‌المللی قرار گرفته است. دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده گابچیکوناگیماروس اعلام می‌دارد: «قاعده کاملاً جا افتاده حقوق بین‌الملل این است که دولت صدمه دیده، حق دریافت جبران خسارت بابت صدمه ناشی از تخلف بین‌المللی از دولتی که مرتکب آن گردیده است را دارد.» (موسوی و موسوی فر، ۱۳۹۴، ۶۰۱). دیوان بین‌المللی دادگستری همچنین در قضیه کارخانه کروزوف (هیگینز، ۱۳۸۵، ۱۱۱) در رأی خود جبران خسارت برای طرف مسئول در قبال نقض هر تعهد بین‌المللی را ضروری شناخته است. در این راستا بیان داشته که این یک اصل حقوق بین‌الملل و حتی یک مفهوم کلی حقوقی است که هر گونه نقض یک تعهد متضمن تعهدی برای جبران آن است. به همین نحو این نکته کاملاً مورد قبول است که اگر یک دادگاه یا دیوان بین‌المللی برای رسیدگی به ادعای مسئولیت دولت صالح شناخته شود، یکی از جنبه‌های صلاحیت مزبور دارا بودن اختیار صدور رأی مبنی بر جبران خسارت وارده است (طیبی و شیرازیان، ۱۳۹۸، ۱۹). به هر حال خسارت زیست محیطی اغلب فراتر از حدودی است که به عنوان هزینه‌های پاکسازی یا کاهش ارزش اموال به راحتی قابل محاسبه باشد. با این وصف، جبران خسارت به عنوان یک اصل در طرح مسئولیت مورد شناسایی واقع شده و اقدام مقتضی نسبت به آن ضرورت دارد.

۳-۲- تعهد به جلوگیری از ورود خسارت

دولت‌ها بر این مسئله اشراف دارند که هر گونه نقض تعهد اعم از فعل یا ترک فعل در عرصه بین‌المللی، برآیندی همچون مسئولیت به همراه دارد. دولت‌ها اگر چه در موقعیت مقتضی ممکن است در اثر اقداماتی موجبات بروز خسارت را فراهم سازند اما قطع به یقین این نوع ورود خسارت از یک سو نایستی منشاء آن نقض تعهد ناشی از اعمال منع شده باشد.^۱ از سوی دیگر نقض تعهد نایستی چهارچوب‌های قواعد آمره و اصول کلی حقوق را نشانه بگیرد. قطع به یقین و چنانچه نقض تعهدی رخ دهد و خساراتی به بار آورد در نتیجه دولت از مسئولیت مبرا نخواهد بود. این یک اصل شناخته شده است که مرتکب یک عمل متخلفانه بین‌المللی تعهد دارد نتایج تخلف خود را جبران نماید. چنان که دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری در رأی کارخانه کورزو بیان کرده: «اصل اساسی که در مفهوم فعلی عمل غیرقانونی گنجانده

۱- کنوانسیون ۱۹۷۲ مسئولیت فضایی از مسئولیت مطلق پیشتیبانی نموده و کانادا پس از حادثه کاسموس ۹۵۴ با تکیه بر این مقرر و اصول کلی حقوق بین‌الملل ادعا کرده است که «اصل مسئولیت مطلق بر حوزه همه فعالیت‌هایی که خطر زیادی ایجاد می‌کنند اعمال می‌شود... [و] به عنوان یک اصل کلی حقوق بین‌الملل مورد پذیرش قرار گرفته است.» کنوانسیون ۱۹۸۸ راجع به تنظیم فعالیت‌های منابع معدنی در قطب جنوب نیز از مسئولیت بدون نیاز به اثبات تقصیر پیشتیبانی می‌کند (طیبی و شیرازیان، ۱۳۹۸، ۶۱).

شده - اصلی که به نظر می‌رسد رویه بین‌المللی و به خصوص آرای دیوان‌های داوری آن را ایجاد کرده اند- این است که جبران خسارت باید تا جایی که ممکن است تمامی نتایج آن عمل غیرقانونی را پاک نموده و وضعیت را تا آن جا که ممکن است به وضعیت موجود احتمالی در صورت عدم وقوع عمل متخلفانه وجود داشته باشد اعاده نماید. اعاده به وضع سابق، یا و در صورت عدم امکان، پرداخت پول به میزانی که برای اعاده به وضع سابق لازم است؛ در صورت لزوم اعطای غرامت به خاطر زیان‌های وارد شده ای که با اعاده به وضع سابق یا پرداخت وجه به جای آن پوشش داده نمی‌شوند. این‌ها اصولی هستند که برای تعیین مقدار غرامت مقتضی برای یک عمل مخالف حقوق بین‌الملل باید بدان‌ها توجه شود.» این رویکرد در مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل راجع به مسئولیت دولت‌ها (۲۰۰۱) گنجانده و در آن پیش بینی شده است که جبران خسارت برای صدمه ناشی از یک عمل متخلفانه بین‌المللی به شکل اعاده، غرامت و جلب رضایت یا ترکیبی از آن‌ها انجام می‌شود (طیبی و شیرازیان، ۱۳۹۸، ۶۷). این در حالی است که هر گونه نقض تعهدی که صلح و امنیت بین‌المللی را دچار مخاطره سازد، مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها را برانگیخته می‌سازد. ضمانت بخشنده این موضوع در وهله اول منشور ملل متحد و در وهله بعد طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها است. با این وصف پایبندی به تعهدات و جلوگیری از هر گونه نقض تعهد و آسیب غیرقابل جبران از جمله ضرورت‌های حفظ شرایط و موقعیت در عرصه بین‌المللی است.

نتیجه گیری

اجرای قواعد حقوق مسئولیت بین‌المللی با هدف ایجاد مانع بر سر راه ناقضین تکالیف بین‌المللی، در نیل به سوی جبران تکالیف نقض شده یک ضرورت بسیار مهم است. در نظر گرفتن چنین نقشی برای قواعد حقوق مسئولیت از سوی کمیسیون حقوق بین‌الملل در طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها مصوب سال ۲۰۰۱، به خوبی بیانگر آن است که قانونمندی نظام بین‌المللی را نباید تنها در گرو تعهدات مبتنی بر اراده (معاهده و عرف) دانست چرا که در این صورت معضل نفوذ فزاینده دول قدرتمند در تن دادن به ایفای چنین تعهداتی همواره خود را نشان خواهد داد. با عنایت به این موضوع، مسئولیت بین‌المللی راهبردی اساسی و سازگار با واکنش‌های موجود در عرصه بین‌المللی نسبت به نقض تعهدات ناشی از فعل و ترک فعل است. این واکنش را نمی‌توان یک واکنش سریع از سوی جامعه بین‌المللی دانست چرا که سازوکارهای نظام بین‌الملل به واسطه دستورگرایی و قدرت مداری زمینه این واکنش‌ها را با تاخیر مواجه می‌سازد. این مهم را می‌توان در برخی از آراء دیوان بین‌المللی دادگستری از جمله رای صادره در قضیه گابچی‌کوناگیماروس مشاهده کرد. دیوان به عنوان یک مرجع بین‌المللی که یکی از معتبرترین اسناد قابل استنادش طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها است، اگر چه به درستی استنادات خود را بیان می‌کند اما نهایتاً دولت‌ها را در زاویه اقتدار طرح مسئولیت قرار نمی‌دهد. از این رو اگر چه رویکرد طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها نسبت به نقض هنجارهای حقوقی ناشی از عدم پیروی معاهداتی کاملاً قانونی و مورد شناسایی واقع گردیده و نظام بین‌الملل آن را پذیرفته اما دولت‌ها نسبت به نقض تعهدات بین‌المللی کمی خیال‌شان راحت است. با این توصیف وضعیت دولت زیان دیده و غیرزیان دیده و زیان رساننده در موقعیت مقتضی مشخص می‌گردد. لذا به نظر می‌رسد توان طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها به قدر کفایت موجود است اما نگاه اقتدارگرایانه جامعه بین‌المللی ناکافی است و این مهم در گرو تقویت پایبندی هر چه بیشتر دولت‌ها به نظام بین‌الملل معاهدات است.

منابع

- انصاریان، مجتبی و طیبی، سبحان، ۱۳۹۷، **تاسیس و جانشینی دولت ها**، تهران، انتشارات مجد.
- پورهاشمی، سیدعباس و طیبی، سبحان و نادری، شیما، ۱۳۹۳، **دادخواهی و مسئولیت بین المللی؛ ابزار مقابله با عدم ایفای تعهدات در خصوص تغییرات آب و هوایی، فصلنامه انسان و محیط زیست**، دوره دوازدهم، شماره ۴.
- جلالی، محمود و مقامی، امیر، ۱۳۹۰، **کارکرد حقوق بین الملل در فرآیند جهانی شدن حقوق، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی**، دوره ۴۱، شماره ۳.
- حدادی، مهدی، ۱۳۸۹، **استناد به مسئولیت دولت ناشی از نقض تعهدات عام الشمول، مجله حقوقی بین المللی**، شماره ۴۲.
- حدادی، مهدی، ۱۳۹۰، **تحول و اجرای مسئولیت بین المللی**، چاپ اول، تهران، انتشارات دادگستر.
- حدادی، مهدی، ۱۳۹۳، **تعهد به جبران خسارت دولت در برابر فرد در حقوق مسئولیت بین المللی دولت، فصلنامه حقوق خصوصی**، دوره ۱۱، شماره ۲، پاییز و زمستان.
- حدادی، مهدی و ستایش پور، محمد، ۱۳۹۶، **کنکاش در لزوم وجود نهاد مسئولیت اشتقاقی در آورده‌های کمیسیون حقوق بین الملل، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی**، دوره ۴۷، شماره ۳.
- زمانی، سیدقاسم، ۱۳۷۷، **جایگاه قاعده آمره در میان منابع حقوق بین الملل، مجله حقوقی بین المللی**، شماره ۱۶.
- سیفی، سیدجمال، ۱۳۷۳، **وحدت مسئولیت «قراردادی و غیرقراردادی» بین المللی و آثار آن در حقوق معاهدات، فصلنامه تحقیقات حقوقی**، شماره ۱۳ و ۱۴.
- سلیمی، حسین، ۱۳۸۶، **نظریه‌های گوناگون درباره جهانی شدن**، تهران، انتشارات سمت.
- طیبی، سبحان، ۱۳۹۷، **جزوه درس مسئولیت بین المللی دولت ها**، گروه حقوق بین الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دماوند.
- طیبی، سبحان و شیرازیان، شیرین، ۱۳۹۸، **مقدمه ای بر مسئولیت بین المللی دولت ها در قبال خسارات زیست محیطی**، چاپ اول، تهران، انتشارات خرسندی.

- علیزاده، مسعود و رحمانی، ابراهیم، ۱۳۹۵، ضرورت درک تحول مفهوم جامعه بین المللی در حقوق و روابط بین الملل، فصلنامه جستارهای سیاسی معاصر، دوره هفتم، شماره ۲۲.
- فلسفی، هدایت اله، ۱۳۸۰، حق صلح و منزلت انسانی: تاملاتی در مفاهیم قاعده حقوق، ارزش اخلاقی و بشریت، مجله حقوقی بین المللی، شماره ۲۷ و ۲۶.
- کرافورد، جیمز، ۱۳۹۵، حقوق مسئولیت بین المللی (قواعد عمومی)، مترجمین علیرضا ابراهیم گل، سیامک کریمی، حسن خسروشاهی و پریسا روشنفکر، چاپ اول، تهران، انتشارات سنگلج.
- کمیسیون حقوق بین الملل، ۱۳۸۹، مسئولیت بین المللی دولت، متن و شرح مواد کمیسیون حقوق بین الملل، مترجم علیرضا ابراهیم گل، تهران، انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهردانش.
- موسوی، سیدفضل الله و موسوی فر، سیدحسین، ۱۳۹۴، اختلاف زیست محیطی آرژانتین و اروگوئه (۲۰۱۰): تبیین برخی مباحث و اصول، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۵، شماره ۴.
- والاس، ربکا، ۱۳۷۸، حقوق بین الملل، ترجمه محمد شریف، تهران، انتشارات نی.
- هیگینز، روزالین، ۱۳۸۵، دیوان بین المللی دادگستری: موضوعات منتخب درباره مسئولیت دولت، مترجم علی قاسمی، مجله حقوقی بین المللی، شماره ۳۴.

-ICJ, 1970, **Barcelona Traction, Light and Power Company, Limited (Belgium v. Spain)**; Preliminary Objections, International Court of Justice (ICJ), 24 July 1964, available at: <https://www.refworld.org/cases,ICJ,402391b04.html> [accessed 21 June 2020]

- Pugh, Michael, 1987, **Legal Aspects of the Rainbow Warrior Affair**, the International and Comparative Law Quarterly, Vol. 36, No.3.

-Scobbie, Iain, 2002, **The Invocation of Responsibility for the Breach of Obligations under Peremptory Norms of General International Law**, European Journal of International Law, Volume 13, No. 5, Oxford.

- Vinuales, Jorge E, 2009, **The Contribution of the International Court of Justice to the Development of International Environmental Law: A Contemporary**

Assesment, Fordham International Law Journal.

-Vermeer-Kunzil, Annemarieke, 2014, **Invocation of Responsibility, Principle of Shared Responsibility in International Law**, edited by Andre Nollkaemper and Ilias Plakocefalos, Cambridge University Press.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی